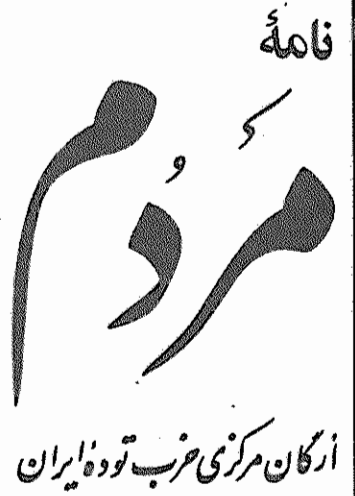


نقشه امریکائی تجاوز رژیم صدام به ایران شکست خورده، ولی امریکا هنوز شکست قطعی نخورده است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۵
چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۲۴ محرم ۱۴۰۱، بهای: ۱۵ ریال

نورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»

گام مهم در جهت تعمیق شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران

صفحه ۴

اینک، در کمال خوشوقتی، میتوان گفت که تمام مقامات مسئول درجه اول جمهوری اسلامی ایران، هم به پیروی از ارزیابی درست امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و هم بر اساس واقعیات انگارناپذیر به این نتیجه درست رسیده‌اند که جنگ تجاوزی دارودسته صدام علیه ایران، در واقع جنگ امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است.

برای اثبات این واقعیت که جنگ تجاوزی دارودسته صدام علیه ایران در واقع جنگ امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است، دلایل متعددی میتوان ذکر کرد، از جمله:

حمايت امریکا از رژیم صدام، حمايت رژيمهای دست‌نشانده امریکا در منطقه از رژیم صدام، بویژه عربستان سعودی، مصر، اردن و عمان، اقدام عربستان سعودی به واگذاری بنادر خود به رژیم صدام، اعزام آراکسانی از طرف امریکا به مصر، کوشش امریکا برای ایجاد یک اتحادیه نظامی از تمام کشورهای ارتجاعی وزیر سلطه امریکا در منطقه، تسلیح ارتش عراق توسط فرانسه، تمرکز بیش از ۶۰ فرزند ناو جنگی امریکائی، انگلیسی و فرانسوی در آبهای غرب اقیانوس

هند و خلیج فارس، تقویت مدارم حضور نظامی امریکا در مصر، عربستان سعودی، عمان و دیگر کشورهای زیر سلطه امریکا در منطقه، تدارک تحریکاتسی در سیستان و بلوچستان ایران توسط رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق، برای جلب بخشی از نیروهای ما به این «جبهه جدید» و بدینسان تضعیف قدرت مقاومت جمهوری اسلامی ایران در جبهه جنگ با رژیم صدام و الی آخر. همه این عملیات به نحو بازرگی نشان می‌دهد که ما در واقع نه با صدام، بلکه با امریکا در جنگیم و به اضافه بوضوح نشان میدهد که امریکا، که اینک بوسیله تجاوز صدامی دست بکار شده، نقشه‌های دور و درازتری و ماره‌های دیگری در آستین دارد.

هدف تجاوز نظامی امریکایی صدام - چنانکه میدانیم و معلوم است - براندازی «برق آسای» جمهوری اسلامی ایران و یا حداقل برقراری یک «حکومت آزاد» امریکائی در یک بخش اشغال شده از کشور ما بود، که بتواند بصورت پایگاه «به-رسمیت شناخته‌ای» از جانب رژیمهای دست‌نشانده امریکا و نیز خود امریکا برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بکار رود. این نقشه در برخورد

به وحدت و شور انقلابی و مقاومت دلیرانه خلق قهرمان ما و نیروهای مسلح ما، از ارتش و پاسدار، بکلی شکست خورد. ولی امریکا هنوز شکست قطعی نخورده است، هنوز «قوی ذخیره» امریکا باقی است، هنوز ما حتی پس از درهم شکستن تجاوز امریکائی صدام و راندن ارتش مهاجم به آن سوی مرزهای عراق، به پیروزی قطعی و نهایی بر امریکا دست نیافته‌ایم.

واقعیت اینست و به زرفای این واقعیت باید تماما پی برد که، امریکا باین «سادگیها» دست از سر ما برنخواهد داشت، برای بازپس گرفتن ایران - این «بست کم‌شده» خود، توطئه پشت توطئه بقیه در صفحه ۷

این امریکاست که میخواهد ایران را تجزیه کند

ولی از نظر نویسنده روزنامه انقلاب اسلامی، امریکا «طرفدار حفظ تمامیت ارضی ایران است» و «دولت اسلامی ایران (را) نماینده مردم این سرزمین می‌شناسد»!

اصرار عجیبی که از جانب برخی محافظان، گاهی آگاهانه و گاهی ناآگاهانه، برای اثبات نظریات بکلی نادرست و خلاف واقع میشود، هم بقیه در صفحه ۲

دشمن در جبهه‌های هوا و زمین عقب رانده شد

بهاکت رسیدند. در این بیکار برادران پاسدار ه دستگاه تانک، تعدادی آر-بی-۷، هفت و کلاشینکف و یک دستگاه بی-۷ دشمن را سالم به تصرف خود درآوردند. در یک درگیری دیگر در همین روز، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در محور محمدیه تعداد ۳ دستگاه تانک دشمن را منهدم کردند و تعدادی از مزدوران بعثی را کشتند و تعدادی را نیز مجروح کردند. در این دو عملیات دشمن منهدم شد و دوازده نفر از مزدوران

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای عملیات زميندگان پاسدار را علیه مزدوران صدامی چنین برشمرد:
۱- در تاریخ ۹۹/۹/۵ در منطقه آبادان نیروهای مزدور صدام تکریتی در منطقه سلیمانیه و محمدیه، که قصد محاصره پاسداران را داشتند، از ساعت ۷ بامداد حمله را آغاز کردند، که با رشادتها و جانبازیهای برادران پاسدار، ۲ تانک دشمن منهدم شد و دوازده نفر از مزدوران

در اجتماع و راهپیمائی مردم قم، بازاریان تهران و مردم مشهد

توطئه علیه رهبری انقلاب و روحانیت مبارز شدیداً محکوم شد

افکنانه راه که موجبات تضعیف روحانیت مبارز را فراهم بیاورد، محکوم کردند.

«ما بخوبی میدانیم که موج انقلاب اسلامی ما و گسترش آن در منطقه امپریالیسم جهانخواز امریکا را به دیوانگی و خصمیت شدید دچار کرده و با دست عوامل خود دست به هر توطئه برای توقف و شکست این انقلاب خواهد زد.»

در قطعنامه بازاریان تهران از جمله آمده بود:

«نحوه عمل روزنامه انقلاب اسلامی و میزان را بخصوص در رابطه با وقایع یکماهه اخیر، چیزی جز تفرقه افکنی بین صفوف متحد مسلمانان ندانسته و به این دو روزنامه شدیداً هشدار میدهیم.»
«ما بازاریان متعهد و مسلمان پیرو خط امام توطئه‌ای را که در لباس سخنرانیهای مکتب‌حسینی توسط دفتر هماهنگی‌های مردم با رئیس‌جمهوری در تهران و شهرستانها، بخصوص در مشهد را شدیداً محکوم می‌نماییم.»

در مشهد نیز قریب به نیم میلیون نفر از طبقات گوناگون مردم، ضمن راهپیمائی‌هایی، هرگونه اعمال توطئه‌آمیز و نفاق-

بمناسبت تحریکات اخیر و اعمال تفرقه‌افکنانه‌ای که در جهت تضعیف رهبری انقلاب و روحانیت مبارز انجام گرفت، مردم قم و مشهد و بازاریان مسلمان پیرو خط امام تهران، ضمن راهپیمائی‌های پرشور و با صدور قطعنامه‌هایی این توطئه‌ها را محکوم کردند.

در قطعنامه مردم قم از جمله آمده است:

«ما هرکس که به هر شکل و عنوان بخواد بر علیه روحانیت اصیل و مبارز سماشی و اقدام نماید، توطئه‌ای حساب شده علیه اسلام دانسته و تضعیف روحانیت را یک نقشه تنظیم شده بر ضد انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی برای تسلط مجدد یگانگان میدانیم.»

«ما هرکس، در هر مقام که بخواد مسیر انقلاب ما را از خط رهبر، که همان خط امامان معصوم است، جدا کرده و به انحراف و در نهایت به وابستگی بکشاند، قاطعانه در مقابل او ایستادگی خواهیم کرد.»

حجت‌الاسلام دکتر خاتمی در مصاحبه مطبوعاتی در لندن اعلام کرد: تجاوز عراق به ایران حلقه‌ای از زنجیر تجاوزات امریکا برای نابودی انقلاب ایران است

ارتش ایران بودند برای سرکوب حرکت‌های آزادیخواهانه در منطقه، کارشناسانی که سرانجام ما را وادار می‌کردند، بدون این که خودشان در امور دخالت داشته باشند، مجری سیاست‌های توسعه‌طلب در منطقه باشند. ما و ارتش‌مان که در اشغال امریکا بود، در اثر این انقلاب آزاد شدیم. از بعد از کودتای ۱۳۳۲ یکسره فرمانروائی بر

تجاوزات امریکا می‌دانیم که هدفش نابودی انقلاب اسلامی ایران است. حجت‌الاسلام خاتمی در مصاحبه‌ای با رادیو کلن در آلمان گفت: «ما سال‌های متعددی مملکت‌مان در اشغال نظامی امریکا بوده است. ۵۰ هزار کارشناس کارآمد امریکائی در کار سازمان دهی

حجت‌الاسلام سید محمدعلی خاتمی، نماینده مجلس شورای اسلامی و سرپرست جدید روزنامه کیهان، که در راس هیئتی برای تشریح سیاست خارجی ایران و تجاوز رژیم صدام به خاک ایران به اروپا رفته است، در یک مصاحبه مطبوعاتی در لندن اعلام کرد: «این جنگ را حلقه‌ای از زنجیر

نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

۷ رفیق هوادار توده‌ای در جبهه‌های جنگ شهید شدند

۷ هوادار حزب توده ایران در سنگرهای نبرد رویارو با دشمن متجاوز به شهادت رسیدند. رفق: یعقوب هاشمی‌نیا - درجبهه سوسنگرد علی محمد بنی‌هارون - در جبهه خونین شهر علی علیزاده - در جبهه خونین شهر محمد کیوان - در جبهه خونین شهر علی یکتا - در جبهه شلمچه کیوان قارون - درجبهه شلمچه

هوادار حزب توده ایران بودند و بعنوان سرباز وظیفه در ارتش جمهوری اسلامی ایران خدمت می‌کردند.

رفقا روز ۹ مهر ماه ۵۹ به جبهه‌های نبرد فرستاده شدند، تا از مین انقلابی در برابر تجاوز

توطئه ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان با حمله به کتابفروشی وداروخانه شکل میگیرد!

گروهی ناشناس به کتابفروشی آرش در زاهدان و عده‌ای نیز به یکی از داروخانه‌های ایرانشهر حمله کردند و هر دو محل را به آتش کشیدند. براساس اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان، در حالی که ضدانقلاب همه نیروی خود را برای آتش‌افروزی در این استان بسیج کرده است، روز ۲۶ آبانماه ۵۹، گروهی ناشناس در زاهدان

بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

یک در آسمان: وقتی کودکان، سرمایه‌داری را رسوا میکنند

کودکان و نوجوانان تهران این روزها فرصت گرانقدری را دارند، تا یکی از هوشمندانه‌ترین فیلم‌های ساخته شده برای این گروه سنی را در سینما «سینه‌موتل» تهران تماشا کنند.

این فیلم، که «یک در آسمان» نام دارد، توسط فیلمسازان مرقی ایتالیا ساخته شده و در آن نظامیگری، فریب تسوده‌ها، دانشمندی که دانش خود را در اختیار سرمایه گذاشته‌اند، و در نهایت نظام سرمایه‌داری، با استفاده از زیباترین زبان سینمایی رسوا شده‌است. رسواکنندگان این نظام چند کودک و نوجوان از خانواده‌های تهیدست هستند که بر بنیاد دنیای انسانی خود، جهان زیبایی را طلب می‌کنند، که در آن صلح حکمفرما باشد.

فیلم که در «شکل»، با استفاده از شیوه «رجعت بگذشته»، تمام خلاقیت و تفکر کودکان و نوجوانان تماشاگر را بکار می‌گیرد، در واقع بر پایه «تخیل» ساخته شده، تخیلی که خود از شریفترین آرمان انسان عصر ما سرچشمه می‌گیرد: طلب جهانی که در آن صلح حاکم باشد.

کارگردان فیلم که بر بنیاد جهان‌بینی علمی، فیلم خویش را ساخته و بین «تخیل» و «واقعیت» به ظرافت و هنرمندی تمام، رنگین-کمانی از عشق و ایثار آدمی بسته است، این صلح را، چنانکه شیوه روشنفکران بورژوازی است، به‌طور مجرد نمی‌بیند، او در صحنه پایانی

فیلم، این صلح را تنها در مبارزه برای نابودی سرمایه‌داری ممکن می‌شمارد.

فیلم با ظهور شیئی ناشناس بر آسمان رم آغاز می‌شود. و بدنبال آن، تمام اهرم‌های نظام سرمایه‌داری بحرکت درمی‌آید و نظامیان نماینده انحصارات بزرگ به‌بانه‌حمله «روس‌ها» و تجاوز «دشمن بشر» حکومت نظامی برقرار می‌کنند و با جنجال و تبلیغات آماده سرکوب «دشمن» میشوند. در ارتباط با این سرکوب است که ژنرال فرمانده نظامیان، همه واقعیات، حتی محاسبات ماشینهای الکترونیکی را، که با «ذهنیت پیش ساخته» او در تناقض است، رد می‌کند و دستگاه پلیس حاکم در جست و جوی متحدان «دشمن» به همه خلق و حتی کودکان مظلون می‌شود. در اینجا دوربین به ستاد امنیت سرک می‌کشد و پرورنده‌های عظیم کسانی را که نظامیان آنها را «دشمنان جامعه» معرفی می‌کنند، نشان میدهد. اینجا پرورنده مبارزان راه‌صلح و ترقی‌طلب است. در حالیکه چند کودک فقیر از همان ابتدا واقعیت را کشف کرده‌اند، نظامیان آماده یورش وسیع به «دشمن» میشوند و درصحنه نهائی این یورش است که کارگردان، با هوشیاری تمام یک انقلابی، نشان میدهد که سر نفع تمام افکار و عملیات ژنرال در دست سرمایه‌داران است و حتی پادشاه، که دکمه شلیک را می‌فشارد نیز کسی جز عامل سرمایه‌داران نیست. تلویزیون هم، که بروشنی تمام نقش

تحقیق‌کننده آن نشان داده میشود، وسیله‌ایست در خدمت نظام سرمایه‌داری.

صحنه پایانی هوشیارانه‌ترین قسمت فیلم است. چند کودک فقیر کشف کرده‌اند که دشمن خیالی سرمایه‌داران تنها یک «یک» است و این «یک» را نیز نوجوانی از تغییر ماهیت موشک‌اتمی پدرش ساخته است. در اینجا دوربین به گذشته برمی‌گردد و سرمایه‌داران را نشان میدهد که در پای یک موشک غول‌آسا، که آخرین دستور برای نابودی بشر است، جشن گرفته‌اند. نوجوانان، پس دانشمند مخترع این وسیله جهنمی، با استفاده از مکانیسم داخلی موشک یک دانه شیرینی بداخل آن می‌اندازد و موشک در پرواز خود به یک تبدیل میشود! اکنون سرمایه‌داران با انواع سلاح‌ها قصد از بین بردن آن را دارند و کودکان بدفاع از یک یک برخاسته‌اند. وسیله دفاعی آنها تنها خامه‌های گیک است. در نبردی که درمی‌گیرد، کودکان و نوجوانان، با گلوله‌های شیرینی خود سرمایه‌داران و تمام اعوان و انصار آنها را نابود می‌کنند و در حالیکه فیلم پایان می‌رسد، دو کودک از تماشاچیان می‌خواهند که در این پیروزی به آنها ببینوند و به فتح جهان نو بروند.

فیلم «یک در آسمان»، علیرغم لطافت جدی که سانسور به آن زده است - و سانسور چنین فیلمی بکلی نامفهوم است - فیلم بسیار ارزشمندی برای همه، بویژه کودکان و نوجوانان انقلابی ایران است.

این آمریکا است...

بقیه از صفحه ۱

مایه تاسف و هم موجب تحیر است. یکی از نمونه‌های این اصرار ناروا، قسمتی از مطالبی است که در سرمقاله شماره ۹ آذرماه ۵۹ روزنامه «انقلاب اسلامی» بیان شده است.

در این سرمقاله، برخی مطالب درست و متصفانه درباره «استراتژی جنگ خوزستان» نوشته شده، از رشادت و فداکاری مردم قبرمان ایران و نیروهای رزمنده ایران تجلیلی بحق بعمل آمده و برخی از مدعاها یوچ رژیم صدام افشا و باطل گردیده است. در مقاله بدرستی نوشته شده است که:

«...در اینکه جنگ به تحریک و پشت‌گرمی آمریکا صورت وقوع یافته، جای تردیدی باقی نیست» و «لرد کارینگتن وزیر خارجه انگلیس نقش «مامای» این توله نامیوم را بازی کرده...» و غیره...

پس از بیان این مطالب درست، نویسنده سرمقاله، یکباره از صراط‌المستقیم منطبق بدرفته و رو به گمراهه تئوری «برقدرتها» نهاده و بناچار پای مغلظه و سفسطه میان آمده است.

طبق مدعا، این نویسنده، «پیروزی سریع» صدام برای ایران «هدف آمریکا» بوده، ولی گویا «ادامه جنگ منافع بسیاری برای رقیب شمالی» آمریکا در بردارد! گویا کارتر، طرفدار (!) «حفظ تمامیت ارضی» ایران است و این بدان دلیل است که گویا خطر «سرازیر شدن احتمالی روسیه شوروی و خطر اجرای تقسیم کشور به دو منطقه نفوذ» و «اشغال مناطق بالای خط کرمانشاه به یزد» توسط «رقیب شمالی» وجود دارد!

معلوم نیست، جز نیت عمدی گمراه‌ساختن مردم و یا ناآگاهی، چه چیز دیگری نویسنده مقاله را به بافتن این همه آسمان و ریسمان مجبور کرده است؟

از مدعاها، نویسنده چنین برمی‌آید که پیروزی سریع صدام بسود آمریکا است و ادامه جنگ بسود «رقیب شمالی»! پس این «رقیب شمالی» هرچه بکند، بهرحال گریبان از پنجه اتهام خلاص نیست؛ اگر به‌عراق اسلحه بدهد، که کمک به تسریع پیروزی و بسود آمریکا است، و اگر به عراق اسلحه ندهد، آنوقت موجب بدازا کشیدن جنگ و بسود خودش است! و خلاصه تمام بازیها زیر سر این «رقیب شمالی» است، که جویای فرصتی است که «سرازیر شود» ولی در عوض، آمریکا، در مقابل این «خطر» هم «طرفدار حفظ

تمامیت ارضی ایران است!» و هم «دولت اسلامی ایران» را «نماینده مردم این سرزمین (ایران) می‌شناسد!» (روی عین نوشته‌های مقاله نامبرده تکیه کرده‌ایم).

در میان گردو خاک این سفسطه‌ها و مغلظه‌ها و مطالب خلاف‌واقع، آن حرف درستی هم که در آغاز مقاله در مورد هدف صدام درباره ایجاد «حکومت دست‌نشانده‌ای در ایران بریاست‌بخیار» نوشته شده و (حزب توده ایران ماهها قبل این هدف آمریکا و صدام را فاش کرده و در نامه «مردم» هشدار داده بود)، بکلی بی‌ارزش میگردد. خواننده باید ساعتها باین افسانه نویسنده بیندیشد و بر مغز خود فشار بیاورد، تا پاسخ این سؤال را بیابد که: چگونه است آمریکا، که با تمام امکانات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی خود، از همان آغاز انقلاب تیشه بر ریشه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زده و توطئه‌ها، کودتاها و جنکهای داخلی و خارجی به این جمهوری تحمیل کرده و حالا هم میخواهد با جدا کردن قسمتی از ایران از قلمرو این جمهوری، حکومت دست‌نشانده‌ای بریاست‌بخیار در این قسمت برقرار کند، هم طرفدار تمامیت ارضی ایران است (!) و هم دولت اسلامی را نماینده مردم ایران میداند (!) ولی این «رقیب شمالی»، که با قدرت و اعتبار همه جانبه خود، از نخستین روزهای اوج جنبش انقلابی و پس از پیروزی انقلاب در ایران تا به امروز در قبال توطئه‌ها و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده، خیال «سرازیر شدن» به ایران را دارد؟

و این مطالب در روزنامه انقلاب اسلامی در زمانی منتشر شده که، بنابه گفته رئیس‌جمهوری و رئیس مجلس کشورمان، شوروی به فرستاده عراق، که برای بدست آوردن اسلحه به آن کشور رفته، گفته است:

«ما این جنگ شما (علیه ایران) را بی‌نتفع امپریالیسم میدانیم و جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد امپریالیستی است و ما نمی‌توانیم به جنگی که علیه این جریان کار میکند، کمک کنیم».

اصرار و پافشاری بر روی دروغبار اباطیل برای پوشاندن واقعیات از نظر مردم ایران است. واقعیت بی‌چون و چرا عبارت از اینست که، نه آمریکا طرفدار تمامیت ارضی ایران و معترف به جمهوری اسلامی است و نه «رقیب شمالی» خیال «سرازیر شدن» دارد.

واقعیت اینست که در ایران انقلاب عظیمی بوقوع پیوسته، که با سرنگون ساختن حکومت

دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا، راندن امپریالیسم، استقرار ایران مستقل و آزاد و صلحدوست و طرفدار عدالت، کشور ما را از دست امپریالیسم بسرکردگی آمریکا بدر آورده و آنرا در صف کشورهای مستقل و آزاد جهان قرار داده است. آیا از این تحول و دگرگونی عظیم کی باید خرسند باشد و کی باید عزاداری کند؟ آیا اتحاد شوروی از بوجود آمدن یک دولت مستقل و آزاد و صلحدوست در همسایگی خود، بجای دولت مغفور شاه، که زیر نظر دهها هزار مستشار و جاسوس آمریکائی، کشور ما را به خطرناکترین پایگاه ضد شوروی تبدیل کرده بود، باید ناراضی باشد؟ و آیا آمریکا، برعکس، می‌تواند یک چنین «ضایعه عظیمی» را تحمل کند؟

اینکه مولود انقلاب ایران جمهوری اسلامی است و اینکه اسلام انقلابی پرچم انقلاب بوده است، محصول فرهنگ و سنن و ویژگیهای تاریخی کشورماست و صرفا امر داخلی. خلق ما و خود کشورماست و صرفا به خود مبین ما مربوط است و بکس دیگری مربوط نمی‌شود. ولی آنچه اهمیت بین‌المللی دارد، و بدیگر کشورها و خلقها مربوط میشود، سیاست جهانی جمهوری اسلامی ایران است که بر مبنای صلح دوستی، دفاع از حقوق و استقلال دارد و این در دست آنچه‌ی است که از سوئی مورد استقبال پرشور و مایه شادمانی همه نیروهای عدالت دوست و ضد امپریالیست و صلحخواه جهان از جمله و بویژه همسایه بزرگ شمالی ما و از سوی دیگر موجب کینه و خشم دشمنان امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا است. بر مبنای همین واقعیت است که امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و به همدستی همه عمال صدامی و ساداتی و بکنی و ضیاع الحقی و غیره اش در برابر این انقلاب و این جمهوری سترگ گرفته‌اند، ولی همه نیروهای عدالت دوست و ضد امپریالیست و مترقی جهان، از جمله و بویژه کشورهای سوسیالیستی، در دسترس جمهوری اسلامی ایران بدفاع از این مولود انقلاب ایران ایستاده‌اند. این یگانه مرز - بندی علمی و واقعی را هیچکس نمی‌تواند انکار و یا مخدوش سازد.

این، امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا است که یک دوچین ضد انقلابی فراری از قبیل بختیار و اویسی و پالیزبان و رضاهلوی و اشرف‌پهلوی را کنار هم قطار کرده و میکوشد بدست صدام و دیگر دست‌نشانده‌گان خود در منطقه و ضد انقلاب داخلی، قسمتی از خاک ایران را از دست جمهوری اسلامی بدر آورد و در آنجا یکی از آن خائنان منتظر -

دشمن در...

بقیه از صفحه ۱

قبرمانانه یک نفر از برادران جانباز پاسدار بدرجه شهادت نائل آمد و چهار نفر دیگر نیز مجروح شدند.

۲- در تاریخ ۵۹۹۹۹ برادران پاسدار در منطقه دزفول، طی یک عملیات شبیخون به قلب دشمن در غرب رودخانه کرخه، موفق شدند ضمن به آتش کشیدن یک دستگاه خودروی بعثیون مزدور عراقی، بیش از ۳۰ تن از آنها را کشته و حدود چهل نفر را نیز مجروح کنند. طبق همین گزارش، یک دستگاه نفر بردشمن پا سه سرنشین در زیر آتش موشک -

منفجر شد و با تمام سرنشینانش در آتش سوخت.

اطلاعه شماره ۲۲۴ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز شرح زیر انتشار یافت:

«بسمه تعالی - بخشی از رویدادهای جبهه‌های رزم جنگ آوران دلار ایران زمین با فریب خوردگان صدام تکریتی در تاریخ ۵۹۹۹۹ اعلام میشود:

۱- در درگیریهای نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با قوای مزدور عراقی در منطقه «دارخوین» ۸ نفر از دشمنان اسلام کشته، ۴ نفر اسیر و تعدادی از آنها زخمی شدند. در این عملیات دو دستگاه نفر بر منهدم و ۵

دستگاه نفر بر نیز به غنیمت گرفته شد.

۲- در منطقه آبادان ۴ سنگر دشمن با کلیه نفرات آن منهدم شد و یک دستگاه تانک و یک دستگاه تانکر سوخت و یک دستگاه کامیون قوای دشمن به کلی نابود شد. در همین منطقه در مجاور آبادان - ماهشبر در جریان یک پیکار، هشت مزدور صدام به هلاکت رسیدند و سلاحها و مهماتی از دشمن بر جای ماند.

۳- درگیری در «خونین شهر» ادامه داشت و بر اثر آتش توپخانه و خمپاره - اندازهای خودی ۳ دستگاه خودرو حامل نفر یک دستگاه خودرو حامل مهمات، ۲ مخزن سوخت و ۲ سنگر دشمن در این جبهه منهدم شد.

۴- در منطقه اهواز در جبهه «دب‌حردان» با تلاش نیروهای مستقر در این جبهه و پشتیبانی توپخانه، دشمن متجاوز ۲ کیلومتر وادار به عقب‌نشینی شد.

۵- بر اثر آتش‌رزمندگان ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران بر روی تاسیسات نفتی «فاره» در دهانه خلیج فارس ۲ مخزن بزرگ نفت دشمن به آتش کشیده شد.

۶- توپخانه‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن را در منطقه «ام‌الرصاص» عراق زیر آتش شدید قرار دادند و خسارات زیادی به آنان وارد کردند و در منطقه «کوئالتزین» عراق نیز یک تانکر مواد سوختی دشمن منفجر و به آتش کشیده شد.

منشأ اختلاف از کجاست؟

فرق بین خلق و ضدخلق، انقلاب و ضد انقلاب، بین نیروهای انقلابی و خلقی را باید بدرستی تشخیص داد.

نیروهای انقلابی و خلقی باید در جبهه متحد خلق برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شوند

در وجود اختلاف نظرها، دیگر کسی تردید ارد. همه وجود آنها را احساس می کنند و مظاهرها را هم می بینند. این اختلاف نظرها از کجا پیدا شده و منشأها چیست؟ باین سؤال پاسخهای گوناگون داده شود:

برخیها واژهها و اصطلاحات را مقتصد می نند. میگویند این گناه اصطلاحات فرنگی است که داخل زبان مانده و اندیشه های «اختلاف انگیز» هم با خود آورده است. مثلا میگویند: اگر اصطلاح «لیبرال» وارد زبان ما نمی شد، لیبرالها هم عصب پیدا نمی کردند و بوجود نمی آمدند تا در برابر آنها «خط امام» تبلور یابد و بوجود بیاید طبق ن «منطق»، گویا اگر واژه «آپاندیسیت» که یک لفظ فرنگی است، وارد زبان ما نمی شد و در برابر آن هم کلمه «جراحی» که یک واژه عربی است، وجود نمی آمد، دیگر نه روده کوری وجود داشت نه آلت جراحی و خود جراح شفابخش!

برخی دیگر میگویند: منشأ اختلافات لقاء ایدئولوژی است. گویا این مارکسیستها ستند که مفاهیم و مقولات «اختلاف انگیز» را تشریح میسازند و آنوقت این مفاهیم و مقولات در میان روحانیان مبارز هم «سرایت» می کند و آنها به مقابله با «آدمهای معتدل» می کشانند! گویا گرشخص دیگری به آدم تشنه نکوید تو تشنه ستی، او تشنه بودن خودش را نخواهد فهمید! برخی دیگر، یعنی «ترقیه های پوک» و فوئیست های تازه مسلمان شده مستقیما به حزب رده ایران می تازند و مدعی میشوند که این حزب ایة ایدئولوژیک نفاق را در میان نیروهای اسلامی با انداخته و «آنها را بدو دسته لیبرال و خط نامی تقسیم کرده». این دیگر صرف نظر از رونده سازی برای حزب توده ایران یک پرونده نازی «تکفیر» علیه روحانیت مبارز است و کپی ن کاری است که مفتیان مقتدی مصری و ایکنی به دستور سادات و شاه حسن و آمریکای ناپتکار، روحانیت انقلابی و مبارز ایران را رس المجرس» (فارس آتش پرست) نام نهاده اند. بخشی از مفسرین «اختلاف» که ضد انقلابیون هیئت «ترقیه پوک» اند و لذا حرجی بر آنها ست، دارند با این گردوخاک ماموریت «سیا» در زمینه نفاق افکنی میان روحانیت مبارز و روان سوسیالیسم علمی اجرا می کنند. ما را با ن وازدگان کاری نیست.

ولی بخشی دیگر از مفسرین «اختلاف» که بن تفسیرات خلاف واقع را عنوان می کنند، مدعی سل و دانشند، و با وجود این میخواهند، برخلاف سول علم، مدعای اثبات نشدنی را ثابت کنند که از این بابت متاسف هستیم، زیرا که از طرفداران لم و دانش جز برخورد علمی، چیز دیگری مقبول ست.

پس منشأ واقعی اختلافات چیست و اختلاف کجونه بوجود می آید؟ اختلافات شخصی میان دونفر، ممکن است برشت صرفا ذهنی و عاطفی داشته باشد. ولی اختلافات سیاسی و اجتماعی دارای خصلت طبقاتی ست. این اختلافات سیاسی و اجتماعی، اگر میان بقات غیر متضاد باشد، که قابل حل و توافق ست و باید حل شود و به توافق اصولی برسد اند اختلاف نظر در میان طبقات و نیروهای که دافع انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایرانند، لی در طرق و شیوه های حفظ و پیشبرد انقلاب جمهوری گاهی با هم این و یا آن اختلاف نظر تی جدی هم می توانند داشته باشند. اینگونه اختلافات می تواند و باید در چارچوب اصول مورد بول همگان، که دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی استقلال واقعی کشور در قبال امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی ست، حل شود و به ایجاد جبهه متحد خلق با برکت همه طبقات و اقشار و نیروهای مدافع

مردم می خواهند کلان زمین داری ملتی و زمینهای بزرگ مالکان میان دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم شود، ولی طرف مقابل، یعنی کلان زمین داران به انواع فشارها و تشنه مانع می تراشند. مردم میخواهند وابستگی در همه رشته ها از بیخ و بن نابود گردد، ولی طرف مقابل، یعنی سرمایه داران وابسته و کلان زمین داران، که از قدیم با انحصارات امپریالیستی پیوند دارند و به شراکت این انحصارات، ایران را چلیده اند، نمی توانند از این پیوند و وابستگی بکسلند. مردم میخواهند نفت مملکت به یاد داده نشود و ارز مملکت برای آبادی مملکت مصرف شود، ولی طرف مقابل حتی تعطیل صرافی ها را، که یکی از کانالهای فرار ارز بود، تحمل نمی کند.

مردم طرفدار حل مسئله مسکن بسود بی مسکنانند، ولی طرف مقابل خواهان ادامه جریان معروف به «بناز و بفروش» است. و دهها مثال دیگر در زمینه سیاست داخلی و خارجی و مسائل اجتماعی و ملی و غیره، که مردم و ضد مردم در برابر هم مواضع آشتی ناپذیر گرفته اند.

آنوقت هر یک از این دو طرف، برای اثبات حقانیت خود، دلیل می آورند. مردم چون حق دارند، دلالتشان هم حق است، ولی طرف مقابل چون ناحق است، دلیلش هم جز توسل به سفسطه و تحریف و افترا و شائتاز و احتیلا، تهدید و چاق، چیز دیگری نمی تواند باشد. در اینجا ست که لیبرالیسم یا برعصه عمل میکندارد و سرکردگی یک سمت، سمت ناحق را بعصده میگیرد و برای دفاع از طبقه و اقشار و مناسباتی که تاریخ حکم زوال آنها را صادر کرده، با تمام زرادخانه اش در مقابل حق و عدالت قدام می کند و از اینجا نیز بقیه جریان ناشی میگردد.

«اختلاف» اینگونه بروز میکند. عمل آذن که حزب توده ایران را به «لقاء ایدئولوژی» و «ایجاد اختلاف» و غیره متهم میسازند، بدان می ماند که کسی بزشتک را، بدان علت که میدانند معده جزء جهاز گوارش و ریه جزء جهاز تنفس است، مقتصد همض و جذب و یا علت بیدایش تنفس بداندا آری، «اختلاف» موجود نیز سرشت طبقاتی دارد و نبرد - نبرد طبقات است. همانطور که در بالا هم اشاره شد، باید دانست که اختلافات (درست تر بگوئیم تضادهای) آشتی ناپذیر میان خلق و امپریالیسم، میان خلق و طبقت ضد خلق (یعنی سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری)، میان خلق و نمایندگان سیاسی و ایدئولوژیک این طبقات، میان خلق استقلال طلب و دشمنان استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی ایران آشتی ناپذیر نیست. اگر چنین آشتی ممکن بود، شاه ملعون را با سیل خون ۷۰ هزار شهید از عرصه تاریخ نمی روبیدند. ولی اختلافات در درون خلق قابل حل است، قابل توافق اصولی است و باید حل شود و باید به توافق اصولی و انسجام خلق برسد.

راه حل اینگونه اختلافات نیز اینست که: اولاً همه کسانی که واقعا طرفدار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی هستند و معنای واقعی این شعار را می فهمند و به آن اعتقاد دارند، حساب خود را از منافع طبقات ضد خلق، یعنی سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری جدا سازند و با قاطعیت و بدون نوسان به «مواضع و منافع خلق» پیوندند؛ ثانیاً همه آنها با صدق و صفا در یک جبهه متحد خلق تحت رهبری امام خمینی برای حفظ، تعمیق و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران متحد شوند؛ ثانیاً آنها بی هم که برس مواضع غلط خود میمانند و باقتضای می کنند، از توسل به شیوه های غیر اصولی و غیر انسانی و غیر اخلاقی احتراز کنند. امیدواریم این توضیحات صمیمانه ما به روشنتر شدن دوستان انقلاب و رسواتر و منفردتر شدن دشمنان انقلاب کمک کند.

شده اند، قبل از انقلاب، بر حسب منافع قشری از سرمایه داری ایران، که از رژیم دیکتاتور نارضی بود، در صف مخالفان رژیم دیکتاتور شاه قرار داشتند. آنها خود میدانند که آن موضع مخالفت آرزوی آنها با دیکتاتور و موضع کنونی آنها در مخالفت با انقلاب، تراوش منافع طبقاتی آنها بود و هست و کسی این مواضع را به آنها «القاء» نکرده بود و نمیکند.

مثالی که از دوران قبل از انقلاب آوردیم نشان داد که اختلاف آرزوی میان طبقات طاغوتی بسردمذاری شاه ملعون از طرفی و طبقات خلقی برهبری امام خمینی از طرف دیگر، یک پدیده عینی بود و انفجار عظیمی که از تصادم میان این دو جبهه بوجود آمد نیز یک پدیده عینی بود و سرنگونی طبقات غارتگر و ستمگر و پیروزی خلق نیز خصلت عینی داشت.

و اما پس از انقلاب وضع چگونه شد؟ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه قبول کنیم و چه قبول نکنیم، پس از انقلاب و تا امروز باز هم مسئله طبقات مطرح است. ولی با کم و کیف دیگری.

حکومت شاه ملعون بمنابیه حکومت طبقت طاغوتی ضد خلقی مذکور در بالا سرنگون شد، ولی سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری بمنابیه پایهای اجتماعی - اقتصادی آن حکومت، هنوز بطور کامل ازین برفته اند. مردم ایران برای رسیدن به استقلال و آزادی و ترقی و عدالت و سعادت واقعی میخواهند سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری و کلیه مضامفات و تفرعات آنها را، بمنابیه منشأ داخلی کلیه اسارتها و بدبختی های خود، از بیخ ملتی سازند، یعنی انقلاب رابه آخر و به پیروزی قطعی و نهائی برسانند. و درست در اینجا ست که مبارزه طبقه تی جدیدی در گرفته است. سرمایه داران وابسته و کلان زمین داران ایران با جان سختی و بشدت برای بقای خود مقاومت می کنند و مقاومت این طبقات، از طرفی بصورت خرابکاری خود این طبقات در امور اقتصادی و اجتماعی و اداری و از طرف دیگر بصورت تکاپوی نمایندگان سیاسی و ایدئولوژیک آنها - که در اصطلاح علمی آنها را لیبرال می نامند - بروز کرده است.

منظره برخی از رؤس مطالب در این مصاف جدید ازین قرار است: مردم ایران می خواهند بخش دولتی و تعاونی، بر اقتصاد کشور مسلط شود، ولی طرف مقابل، یعنی سرمایه داری وابسته، بخاطر منافع کلان خود می کوشد جلوی این کار را بگیرد. مردم میخواهند بازگانی خارجی ملی شود و توزیع عمده در دست دولت متمرکز شود و دست دلان و محترکان از گریبان آنها کوتاه شود، ولی طرف مقابل میکوشد جلوی این کار را سد کند.

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برسد. ولی اختلاف آشتی ناپذیر میان طبقات و نیروهای آشتی ناپذیر خصلت دیگری دارد. در این مورد، این طبقات متضاد واقعا موجود و مدفع آنهاست که در مقابل هم قرار میگیرند و نه تصورات «مصنوعی» و یا افکار «القای» از خارج. درست است که پیروان سوسیالیسم علمی، بعلت برخورد علمی و درک علمی از جهان، این طبقات و منافع و تضاد میان آنها را بدقت و بدرستی تشخیص میدهند و با توضیح مطلب برای جامعه، بدرک درست مسائل اجتماعی یاری میرسانند، ولی خود طبقات و منافع آنها و تضاد و تصادم میان این طبقات، اختراع و یا آفریده طرفداران سوسیالیسم علمی نیست و نمی تواند باشد، بلکه محصول رشد تاریخی جامعه است.

برای پی بردن بوجود طبقات متضاد در جامعه طبقاتی و تصادم منافع آنها، بویژه در دنیای امروز ما، لازم نیست که انسان حتما پیرو سوسیالیسم علمی باشد و یا به «لقاء ایدئولوژی» از جانب مارکسیستها نیاز داشته باشد. فقط یک چشم باز و یک وجدان بیدار و یک شهامت انسانی لازم است تا انسان، در جامعه طبقاتی، گرکن و میثان را از هم تشخیص دهد.

مثلا در رژیم شاه ملعون، سرمایه داران بزرگ وابسته و کلان زمین داران و یا طبقات طاغوتی و مستکبر، در برابر طبقه کارگر و دهقان کم زمین و بی زمین یا توده های عظیم خلق مستضعف و محروم قرار گرفته بودند. در راس طبقات طاغوتی شاه ملعون قرار داشت و در راس توده های عظیم خلق مستضعف امام خمینی جای گرفت.

این دو جبهه متضاد، محصول رشد تاریخی جامعه ایران بود. آنها را حزب توده ایران و هیچ حزب و سازمان و گروه دیگری ایجاد نکرده بود و نمیتوانست بکند. تضاد و تصادم میان این دو جبهه هم بازمحصول قوانین عینی و اجتناب ناپذیر هم ن رشد تاریخی بود و کسی آنها «القاء» نکرده بود و نمیتوانست بکند.

روحانیت مبارز، برهبری امام خمینی، که بر راس خلق مستضعف قرار گرفتند، اندیشه و محتوای اسلام واقعی انقلابی را کار پایه خود قرار دادند و نه چیز دیگری را. آنها اگر از یک سو مستکبران و طاغوتی ها و از سوی دیگر مستضعفان و محرومان را در جامعه تشخیص نمیدادند، یعنی با همان دید اسلام انقلابی، نیروهای حق و باطل را از هم نمی شناختند، آنوقت علیه کی و له کی مبارزه میکردند، کی را بسود کی سرنگون می ساختند؟ پس روحانیت مبارز برای این اقدام پر افتخار تاریخی خود نیازی به «القاء» نداشت.

لیبرالها، که پس از انقلاب از ترس عمق خصلت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب، از انقلاب «پشیمان» شدند و اینک به جاده صاف کن ضد انقلاب تبدیل

پیروزیهای حزب کمونیست در سان مارینو

اجتماعی این کهن ترین جمهوری جهان تدوین یافته است. این اصول در برنامه دولت چه کنونی نیز راه پیدا کرده است. ما موفقیت های کنونی کمونیست های سان مارینو را به حزب برادر شادباش می گوئیم و پیروزیهای هر چه بیشتر آنها را در رهبری کشور بسود زحمتکشان سان مارینو خواستاریم.

آن کشور است. راز پیروزی و نفوذ فزاینده حزب کمونیست سان مارینو را باید در دفاع پیکیرانه از سیاست صلح، منافع زحمتکشان و همپیمان یابی آن جستجو کرد. در برنامه حزب کمونیست سان مارینو، که چهار سال پیش در کنفره فیم تصویب شد، اصول پیشرفت دمکراتیک و دمکرات های مسیحی گرفتند. اینک پریمو مارانی (کمونیست) و پیتر و چیا روزی (سوسیالیست) مشترکا نخست وزیر سان مارینو هستند. حزب کمونیست سان مارینو، برهبری اومبرتو بارولی، از نظر کمی، دومین حزب سیاسی سان مارینو و بزرگترین سازمان چه

مارینو رای دادند. این رقم تقریبا ۲ درصد بیشتر از انتخابات همگانی دو سال پیش بود. در انتخابات همگانی نامبرده کمونیست ها، سوسیالیست ها و «سوسیالیست های متحد» از ۶۰ کرسی پارلمانی («شورای عمومی») ۳۱ کرسی را در اختیار خود در آوردند و زمام حکومت را از ستایش یاد می شود. حزب کمونیست سان مارینو، که ۳۹ سال پیش تأسیس یافت، در انتخابات محلی آن کشور در تابستان امسال - همراه با دیگر نیروهای چه سان مارینو - به موفقیت چشمگیری نایل گردید. در این انتخابات ۲۵۰۵۵ درصد مردم به حزب کمونیست سان

سان مارینو جمهوری مستقلی است که در ایتالیا قرار دارد. حزب کمونیست سان مارینو در روزهای ۱۷-۱۴ آذرماه ۱۳۵۹ دهمین کنفره خود را برگزار خواهد کرد. در یکی از اسنادی که در تدارک این کنفره تدوین شده، حزب کمونیست سان مارینو از دولت آن کشور میخواهد که سیاست بیطرفی خود را ادامه دهد. در این سند همچنین از سیاست صلح کشورهای سوسیالیستی یا

کارگران شیشه‌گر: آدم تازه است باید با آمریکا بجنگد!

زندگی کارگران شیشه‌گر در کارگاهها به تباهی کشیده می‌شود

"عراق به تنهایی مساله‌ای نیست، ولی الان از این صدام آمریکا و اسرائیل و نوردادار حمایت می‌کنند. ولی ما همه‌شان را شکست می‌دهیم. من هر وقت بخواهند، حاضریم به جبهه بروم و از انقلاب، انقلابی که مال ما زحمتگزاران است، دفاع کنم."

و بابا علی اکبر می‌گوید:
"دهها سال است این خارجی‌ها دارند ما را استعمار می‌کنند. تا قبل از جنگ جهانی دوم

سال است جلوی کوره‌های گرمخانه‌ها، که بیش از هشتصد درجه‌حرارت دارند، عرق می‌ریزم و دود می‌خورم. آدمی به سن و سال من بسه سختی می‌تواند جلوی این کوره‌ها نفس بکشد. صبح تا غروب باید جلوی این کوره‌ها بایستم و کار کنم. برای من این کار فوق‌العاده سنگین است و کارفرما در پایان روز فقط به من صد تومان دستمزد می‌دهد. اعتراض هم که می‌کنم، می‌گویند: "من به فلان بچه که این همه کار می‌کند، روزی ۳۰ تومان می‌دهم. حالا به‌توروزی صد تومان می‌دهم، از سرت هم زیاد است. اگر نمی‌خواهی، از اینجا برو."

دریاره بیمه می‌گوید:

بر میران حوادث می‌افزاید، ریسر دامن‌ها شیشه‌های مذاب با سرعت زیادی به این طرف و آن طرف حمل می‌شوند و هر آن امکان برخورد کارگران با یکدیگر و وقوع یک فاجعه وجود دارد. بویزه در اواخر کار روزانه، که کارگران به‌علت سنگینی کار رمقی در بدن ندارند.

با چند تن از کارگران کارگاه به گفتگو می‌نشینیم، تا با مشکلاتشان از نزدیک آشنا شویم. آقا رستم، کارگر چهل و دو ساله، می‌گوید: "من الان ۱۶ سال است مشغول این کار هستم. از صبح تا غروب جلوی این کوره‌ها عرق می‌ریزم. ولی فقط هفته‌ای ششصد تومان مزد می‌گیرم. پس از ۱۶ سال کار و زحمت، هنوز یک ریال هم پسانداز ندارم. آخر با این قیمت‌ها و این دستمزد کم چطور می‌توانم زن و بچه‌ام را اداره کنم؟"

در تهران چندین کارگاه شیشه‌گری وجود دارد که صدها کارگر محروم صیبه‌مان در آنها مشغول بکار هستند. کارگاه شیشه‌گری استاد محمد یکی از این کارگاههاست. برای اطلاع از وضع کارگران با آنها به گفتگو می‌نشینیم.

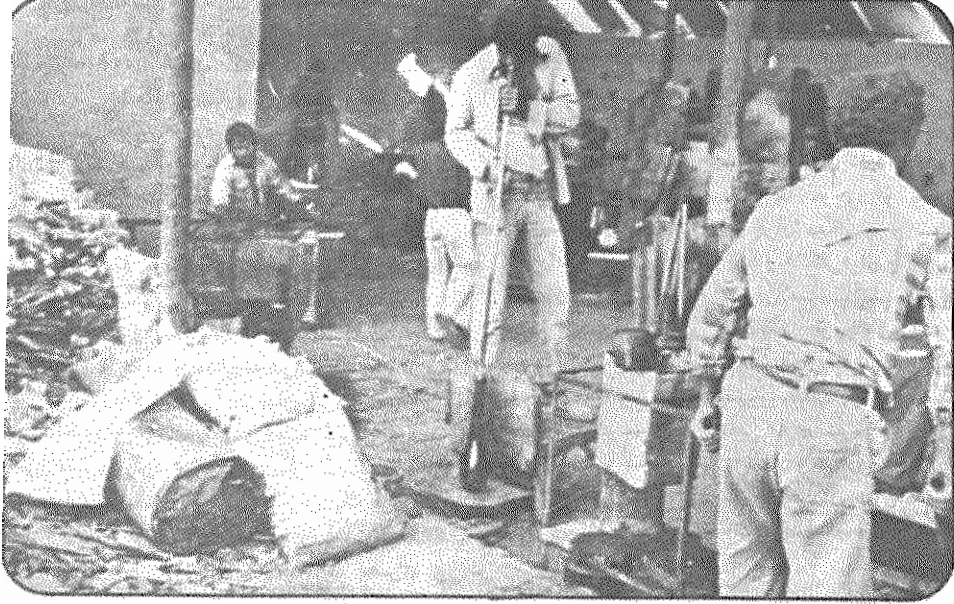
در این کارگاه کارگران به ساختن "گلدان" و "شیشه‌قلیان" مشغول هستند و روزانه بیش از شصت عدد از آنها را تولید می‌کنند. هر "گلدان" و یا "شیشه‌قلیان" ساخته شده، از چند مرحله عبور می‌کند. ابتدا خرد شده‌ها را الگ و مواد زائد آنها را جدا می‌کنند. سپس خرد شده‌ها را داخل کوره‌های ذوب، که بیش از ۱۵۰۰ درجه حرارت دارد، می‌ریزند. سوخت کوره‌ها نفت سیاه است. پس از حرارت دیدن و ذوب شدن شیشه‌ها "انباری‌ساز"، "فالب‌گیر"، "آبریز" و "تابنده" شکل دلخواه را به شیشه‌مذاب می‌دهند. کارهای پایانی انجام می‌گیرد و شیشه‌ها را به داخل "گرمخانه"، که حدود ۸۰۰ درجه حرارت دارد، حمل می‌کنند و کارگری در خارج از گرمخانه، به کمک مله بلندی که در

گمی دستمزد، عدم برخورداری از بیمه و بازنشستگی و نبودن در پناه قانون درد اولیه این کارگران است

احتمال دارد، سببه‌های طیان و گلدان‌ها را به ترتیب روی هم قرار می‌دهد، تا بتدریج سرد شوند. سرانجام آنها را از گرمخانه خارج و به بازار عرضه می‌کنند.

در کارگاه استاد محمد حدود ۲۵ کارگر، از کودکان ده دوازده ساله گرفته تا بی‌مرد ۶۲ ساله و از ایرانی گرفته تا بنگلادشی، به کار سخت و طاقت‌فرسای شیشه‌گری مشغول هستند.

فضای کارگاه انبساطه از دود حاصل از سوختن نفت سیاه است، که انسان را دچار سردرد می‌کند و تنفس را مشکل می‌سازد. کارگران مجبورند در حین شرایطی روزی هشت ساعت در مقابل گرمای کوره‌هایی که بیش از ۱۵۰۰ درجه حرارت دارند، عرق بریزند و کار کنند.



ما اینجا روز بروز تحلیل می‌رویم و کارفرماها در نتیجه کار ما پولدار می‌شوند

انگلیسی‌ها و بعد از جنگ نیز آمریکا بیها. تمام بدبختی‌های ما از این آمریکائیهاست و این صدام، که الان به انقلاب ما حمله می‌کند، نوکر آمریکا است. من الان دو پسر در جبهه‌هستند، ولی خودم را به علت سن زیاد قبول نمی‌کنند، وگرنه خیلی مایلیم با این صدام جنگیم و زمین و انقلابم دفاع کنم. آدم تا زنده است باید با آمریکا و مزدورانش مبارزه کند."

"در کارگاه قبلی که کار می‌کردم، بیمه بودم، ولی اینجا نه. ماموران بیمه سالی یکبار به اینجا سری می‌زنند و بعد هم دیگر این طرفها نمی‌آیند، و همین یکبار هم که می‌آیند، کاری برای ما انجام نمی‌دهند. در اینجا از بازنشستگی خبری نیست. کارگر باید تا لب گور کار کند."

شرایط اینگونه کارگاهها، که سبک صنعت سنتی ایران هستند، بسیار اسفناک و ناسالم است. از کودکان گرفته تا افراد مسن بدون کمترین امکانات رفاهی، در این کارگاه‌ها و در کنار کوره‌های برحراوت و زجرآور آن، به سختی و تباهی کشیده می‌شوند.

کودکان در این سنین باید تحصیل کنند، تفریح داشته باشند و بیاورند تا بتوانند جامعه آینده را هرچه بهتر به سود مردم بسازند. در حالیکه این کودکان به‌علت فقر مجبورند از اولین ساعات روز تا عصر، با سبای بزرگسالان، بسا حقوقی ناچیز کار کنند. آنها پس از کار سنگین خسته‌کننده و طاقت‌فرسا، امکان مطالعه، آموزش، فعالیت‌های اجتماعی و حتی استراحت ندارند. افراد مسن نیز علیرغم سن زیاد و دناستن توان لازم برای کار و به علت فقر شدید و اجراء نندن قانون کار در این کارگاهها، مجبورند تا پایان عمر کار کنند.

با اینحال این کارگران، علیرغم کمبودها و نارسائی‌های زندگی‌شان، اعلام می‌کنند که حاضرند برای دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن جانباری کنند.

بجاست که مقامات مسئول تدابیر لازم را جهت تدارک زندگی بهتر برای این افراد اتخاذ کنند، تدابیری چون:

— جلوگیری از کار کودکان. باید درکارگاه‌های بزرگ و کوچک از کار کودکان جلوگیری کرد و شرایط مناسب برای تحصیل آنها فراهم آورد. باید کارفرماهای متخلف را به شدیدترین وجهی مورد بازخواست و مجازات قرار داد.

— باید برای همه کارگران و زحمت‌گزاران سالخورده سن بازنشستگی تعیین شود. قانون بازنشستگی باید شامل حال اینگونه کارگاهها شود. این قانون باید به تمام کارگاهها ابلاغ شود و اجرائی آن تضمین گردد.

— باید برای کارگران وقت استراحت، هنگام صرف غذا داده شود و از کارهای غیرقانونی و سوءاستفاده‌های کارفرماها جلوگیری بعمل آید.

در یک کلام، مقامات مسئول باید قانون کار را شامل حال اینگونه کارگاهها کنند و با تابعیت لازم کارفرماها را مجبور به اجرائی این قوانین و پرداخت حقوق قانونی کارگران کنند.

در مورد انتظارات از دولت می‌گوید:
"تنها انتظار من از دولت این است که یکطرفه بفرستد اینجا، سری به ما بزند و به درد دل ما هم رسیدگی کند. زمان طاعون کسی به فکر ما نبود. لااقل حالا کسی باید به فکر ما باشد. مگر انقلاب مال ما زحمتگزاران نیست؟ مگر ما نبودیم که خون دادیم؟ باید به وضع ما رسیدگی کنند."

شاید مشکلترین کار در این کارگاه، خارج کردن شیشه‌های "قلیان" و "گلدان‌ها" از گرمخانه باشد. محیط تنگ و تاریک گرمخانه، بسا اینکه کوره آن از روز قبل پس از پایان کار خاموش شده، هنوز بیش از ۷۰۰ درجه حرارت دارد و انسان قادر نیست بیش از سه چهار دقیقه در آن دوام بیاورد. کارفرما، از آنجا که هیچکس مایل به این کار نیست، کودکان را وادار به این کار می‌کند.

آقا رستم در مورد سختی‌ها و خطرات ناشی از کار می‌گوید:
"یکی از کارگران اینجا سالیان درازی این حرفه را دنبال کرده است، حتی بیشتر از من. اسمش عباسعلی و کارش انباری‌سازی است. او مدتهاست کار کرده است، برای اینکه دائما باید در این شیشه بدمد و این کار به برده‌های کوشش آسیب رسانده است. من مدتهاست از کمر دردم پادرد رنج می‌برم، چون کار خیلی سخت است و ما از صبح تا غروب سرپا ایستاده‌ایم. اگر بکروز هم بخواهم استراحت کنم و یا دکتر بروم، از پول خبری نیست و زن و بچه‌هایم بایسد آن روزها گرسنگی بکشند."

آقا رستم همچنین اضافه می‌کند:
"این کار آخر و عاقبت ندارد. این کارفرماها هم، تا بیسر می‌شوی، اخراجت می‌کنند و می‌گویند: برو گدایی کنی پول در بیاور. آخر شیشه‌گری هم شد کار!"

با یکی دیگر از کارگران به نام علی، که مشغول صبحانه‌خوردن است، به گفتگو نشستیم. او ۲۰ سال دارد. می‌گوید:

"این هم از صبحانه‌مان! هنوز لقمه از گلویمان پائین نرفته، کارفرما داد می‌زند، بلند شو! علی دربارۀ کارش چنین توضیح می‌دهد:
"دود ناشی از سوختن نفت سیاه آدم را گیج و بعد از مدتی مریض می‌کند. گذشته از این، دمای این کوره‌ها به ۱۵۰۰ درجه می‌رسد و تابستان‌های اینجا را مثل جهنم می‌کند. من از کودکی مشغول این کار بوده‌ام و اگر مجبور نبودم، یک لحظه هم این کار را ادامه نمی‌دادم. حیف از جوانی آدم که با این کار هدر می‌رود. در حالیکه ما اینجا روز بروز تحلیل می‌رویم، کارفرماها از کارکرد ما پولدار میشوند. دولت هم ما را فراموش کرده است. در نتیجه هیچکس نیست بر کار این کارفرماها نظارت داشته باشد و حق ما را از آنها بگیرد. آنها هم هر کاری دلشان بخواهد با ما می‌کنند."

می‌پرسم: مگر سندی ندارید؟ درحالی که سرتی را با تاسف تکان می‌دهد، می‌گوید:
"سندیکا داریم، ولی پا نگرفته است، گویا اصلا وجود ندارد."

در مورد شرایط بعد از انقلاب می‌گوید:
"من قبلا در یکی دیگر از کارگاهها کار می‌کردم. بعد از انقلاب ۳۰ تومان به دستمزد اضافه شد، ولی در اینجا دستمزدها بسعد از انقلاب هیچ فرقی نگرفته است."

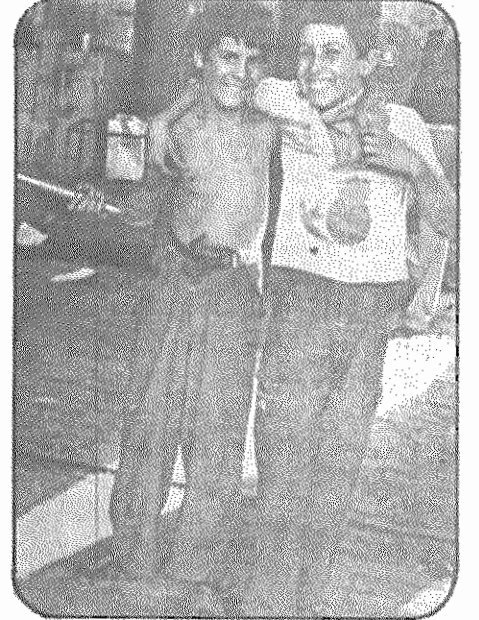
دربارۀ خواست‌هایش از دولت می‌گوید:
"یکخواست من از دولت، کار با شرایط بهتر است. و دیگری اینکه شیشه‌گری متاسفانه در ایران فراموش شده است، در حالیکه درکشورهای دیگر به آن خیلی اهمیت می‌دهند. این کارفرماها هم آنقدر به کارگران سخت می‌گیرند که هیچکس سراغ این کار نمی‌آید. در نتیجه شیشه‌گری رو به مرگ است. من از دولت خواهش می‌کنم اجازه ندهد کار شیشه‌گری از بین برود."

اکبر، یکی دیگر از کارگران، که ۱۶ سال دارد، می‌گوید:
"من فکر نمی‌کنم کاری از این بدتر و سخت‌تر وجود داشته باشد. از صبح زود تا نزدیکیهای غروب کار می‌کنیم و زحمت می‌کشیم، آنوقت سودش را کارفرما می‌برند. اعتراض هم که می‌کنیم، اخراجمان می‌کنند."

در مورد بیمه می‌گوید:
"اینجا هیچ کس بیمه نیست." اکبر انتظاری از دولت انقلاب ندارد. وی تنها یک آرزو دارد:

"من مجبور شدم از بچگی کار کنم و تا کلاس دوم دبیرستان بیشتر درس نخوانده‌ام و بزرگترین آرزوی من این است که بکروز بتوانم درس را ادامه بدهم و به دانشگاه بروم." بابا علی اکبر، مشغول گرمخانه ۶۲ سال دارد. اندامش نحیف و استخوانی است. می‌گوید:
"اینجا همه به من می‌گویند بابا. من ۴۶

کودکان ده دوازده ساله گرفته تا بی‌مرد ۶۲ ساله و از ایرانی گرفته تا بنگلادشی، به کار سخت و طاقت‌فرسای شیشه‌گری مشغول هستند.



این کودکان بجای کار کردن باید تحصیل کنند

دستمزد کارگران نیز بسته به دشواری کار آنها بین سی تا صد تومان در روز متغیر است. البته در این میان کودکان، هر قدر هم که کارشان سخت و سنگین باشد، بیش از سی تومان مزد نمی‌گیرند.

در میان کارگران استاد محمد، سه بنگلادشی و چهار تا پنج کودک ده دوازده ساله نیز به جسم می‌جویند. کارگران بنگلادشی معمولاً سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهند و به علت کمبود کارگر، مجبورند کار دو تا سه نفر را انجام بدهند.

در این کارگاه هیچکس از وسایل ایمنی و بهداشتی (حتی یک دستبندی مناسب) برای کارگران وجود ندارد. بویزه در چنین شرایط خطرناکی که میهنمان مورد بورش وحشیانه رژیم خائن صدام حسین قرار گرفته است، کارگران نمی‌توانند از حمله هوایی مطلع شوند. فضای کوچک کارگاه، با توجه به تعداد نسبتاً زیاد کارگران

حل مشکلات دهقانان برای تقویت جبهه و پیروزی در نبرد لازم است

دهقانان مادر همه دهات با بسیاری نابسامانیها و مشکلات روبرو هستند، که ارنیه شوم نظام طاغوت است و آن‌ها را از نظر تولید و زندگی در ابتدائی‌ترین وضع نگه داشته‌است. در شرایط حساس کنونی و مقابله مستقیم با امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های مختلف آن، به‌ویژه تجاوز نظامی صدام، دهقانان همه نیروی خود را برای شرکت در سنگر و در کشتزار به‌کار می‌برند، تا در لحظه حاضر از انقلاب خود دفاع کنند و بتوانند در آینده نابسامانی را از بین ببرند و آثار منحوس رژیم ملعون پهلوی را بزداینند. اما برای پیروزی در سنگر و برای موفقیت در کشتزار لازم است که به‌طور هم‌زمان کوشید، تا برخی از نابسامانی‌ها از نظر وضع تولید و زندگی از بین برود و دهقانان برای جبهه و پشت جبهه هر چه وسیع‌تر بسیج شوند.

برای آگاهی مقامات مسئول محلی، برخی از خواست‌های دهقانان چند ده اطراف نهاوند را یادآوری می‌کنیم، تا با برآورده ساختن آن‌ها و نظایر آنها در دهات مختلف، زمینه برای تقویت جبهه هر چه بیشتر آماده شود:

روستای حسین آباد چوبک، یکی از حومه‌های شهرستان نهاوند و در استان همدان واقع است. جمعیت این روستا در حدود ۴۰ تا ۴۵ خانوار (۲۵۰-۲۵۵ نفر) است. دهقانان بی‌زمین و کم زمین این روستا پس از آغاز کار جبهه‌سازی در این روستا، خواستار رفع نابسامانی‌های بجای مانده از رژیم طاغوت شده‌اند. عمده‌ترین خواستی که از جانب دهقانان این روستا مطرح شده‌است، تأمین آب‌زراعی کافی و بهداشتی، لوله‌کشی آب آشامیدنی و برق‌کشی از طرف جهاد سازندگی به روستا است.

روستای لیلی یادگار از توابع شهرستان نهاوند است. در این روستا ۱۵۰ خانوار و جمعا ۱۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند.

نبودن امکانات اولیه زندگی در این روستا سال‌ها روستائیان مبارز این ده را رنج می‌داد. به همین جهت پس از انقلاب، دهقانان بی‌زمین و کم زمین و خرده‌بای این روستا، جهت دست‌یابی به خواست‌های اولیه خود، مانند تأمین بهداشت، آب‌لوله‌کشی، زدن سد برای آب‌زراعی جلورودخانه، به دفعات مکرر شکایات خود را به مقامات مسئول تسلیم داشتند. عاقبت شکایات دهقانان به‌تدریج رسید و مقامات متعهد به خواست‌های آنان توجه کرده و مشغول رفع نابسامانی‌هایی که ارنیه رژیم طاغوت است، شده‌اند. نهادهای انقلابی نقش ارزنده‌ای در این زمینه دارند.

روستای ده‌بوره با ۹۰۰ نفر جمعیت در ۵ کیلومتری شهرستان نهاوند قرار دارد. دهقانان این روستا یک شکایت‌نامه به مقامات مسئول تسلیم کرده‌اند در آن خواستار: آب آشامیدنی و زراعی کافی، کود، وام کشاورزی، بذر و تراکتور و برق‌کشی به روستا شده‌اند.

متأسفانه هنوز در جهت رفع خواست‌های این دهقانان در زمینه تولید و شرایط اولیه زندگی از جانب مقامات مسئول اقدامی نشده است. به‌علاوه، زمین در میان این دهقانان به‌طور عادلانه تقسیم نشده‌است و نبودن امکانات کافی جهت دآمداری مانع گسترش دآمداری می‌شود. دهقانان روستای گیان، از توابع شهرستان نهاوند، سابقه مبارزاتی شایان توجهی قبل از انقلاب و علیه رژیم پهلوی دولت طاغوت دارند و بارها علیه ستمگری‌ها و برای تأمین خواست‌هایشان مبارزه کرده‌اند. اما کارگران رژیم آریامهری، طبق ماهیت طاغوتی و طبقاتی خود، نمی‌خواستند حتی کوچک‌ترین باری را از دوش دهقانان بردارند. پس از سرنگونی رژیم آمریکایی شاه منصور، دهقانان برای تحکیم انقلاب و در جهت شکوفایی آن مسائل و مشکلات خود را مطرح کردند، تا با رفع آنها بقایای رژیم گذشته از جبهه روستازدوده شود. در این مرحله نیز همه روستائیان، از دهقانان بی‌زمین تا دهقانان خرده‌بها، شرکت داشتند. دهقانان با حمایت از فعالیت جهاد سازندگی، خواستار کسیدن بوق به این روستا شدند، که این نهاد انقلابی با خواست آنان موافقت کرد و شروع به عمل نمود.

فرزندان دلاور! عزیزان وطن! ای دلیرانی که با خون خود نهال انقلاب را بارور می‌کنید! افتخار ابدی بر شما باد!

ما پدران و مادران و خواهران شما در پشت جبهه، چون شما، با دشمن اهریمن صفت، با شیطان بزرگ - آمریکا و شیطان کوچک مزدور او صدام، در نبرد هستیم. پیکار ما در جبهه تولید در کشتزارها، زیر بمب‌های دشمن ادامه دارد. ما می‌کاریم و آنها می‌کشند. این راز زندگی ماست و راز پیروزی ما خواهد بود. ما همیشه کاشته‌ایم، همیشه کار کرده‌ایم و زمینها را بارور و گله‌ها را بزرگتر کرده‌ایم، اما دشمن همیشه خورده و برده‌است، نتیجه زحمت ما را گرفته و بما ظلم کرده است.

دشمن ما امریکا است. امروز با نوکرش صدام و فئودالهای ضد انقلابی و دیروز با نوکر داخلی اش شاه ملعون و باز با «فئودالهای» ایرانی! شما با این دشمن می‌جنگید. ما هم با این دشمن می‌جنگیم. چه بلاها که ما از خارج ندیده‌ایم، و چه ستم‌هایی که از داخل نکشیده‌ایم! ولی ما امیدواریم و مطمئن. ما به کار خود و به کشت خود تکیه می‌کنیم. حق با ماست و این راز پیروزی ماست. چون در ایران انقلابی، ما دیگر هشیار و متعهد هستیم.

فرزندان عزیز! شیری که مادر تان بشما داده، حلال‌تان باد! شما در راه وطن و انقلاب و مستضعفان می‌جنگید و شهید می‌شوید و دشمن را شکست می‌دهید. شما در سنگرهای خود مستحکم و امیدوار باشید. فراموش نکنید که امام خمینی گفت:

«پیروزی از آن شماست.»
یک وجب از خاک ایران را به دشمن ندهید. اراضی مزروعی دهقانان خوزستان را از صدام پس بگیرید. با دهقانان اسیر عراقی نیز، که برادران ما هستند و زیر ظلم آمریکا و صدام قرار دارند، مهربانی کنید و حقایق را به آنها، که فریب خورده‌اند، بگوئید، تا آنها هم بدانند که دشمن اصلی امریکا است و شیطان

نامه‌ای از جانب دهقانان به پاسداران انقلابی و سربازان دلیر

چکیده‌ای از آنچه روستائیان ما می‌گویند و مینویسند



ما در کشتزارها علیه صدام آمریکائی می‌جنگیم

بزرگ است. فرزندان گرامی! رزمندگان غیور! پاسداران انقلابی و سربازان دلیر! هنگامی که جنگ به پایان رسید و برگشتید، در زمین خودمان کشت خواهیم کرد. زمین مال کسانی است که روی آن کار می‌کنند. محصول مال کسی است که زحمت کشیده. آنوقت دیگر از کشتن خبری نخواهد بود، و حرفهای ما درباره کاشت و داشت و برداشت خواهد بود. شما جلوی دشمن خارجی را بگیرید، و ما نیز خصم داخلی، فئودالها را نابود می‌کنیم، تا جاودانه، کشتن بر کشتن چیره گردد. ما می‌دانیم که این دو وظیفه از هم جدا شدنی نیست. بهمین خاطر هم، چه در سنگر چه در کشتزار، خود را در حال نبرد می‌دانیم. بامید انروزی که انقلاب ما پیروز و جمهوری اسلامی ایران شکوفا شود.

جوانان قهرمان وطن، ای مدافعان بزرگ ایران زمین! از یاد نبردید که در این پیکار، دل خلقی با شجاعت و دعای خیر و امید مردم تهیدست ایران پشت سرتان. بکوشید تا آرزوی توده‌های میهن انقلابی شما برآورده شود، امریکای جهانخوار ناکام گردد و صدام حسین خبیث شکست بخورد. ما نیز همیشه در فکر شما هستیم و برای محصول بیشتر، بفرمان امام خمینی جهاد می‌کنیم، تا کشور ما بی‌نیاز شود. همه ما از ته دل آرزوی می‌کنیم که در فردای میهن انقلابی ما، دیگر اثری از جنگ و خونریزی، ستم و نامردی نباشد و فرزندان روستائیان و شهرنشینان آزادانه، بدون ترس از امپریالیسم و شاهان و صدام‌ها و بزرگان مالکان ستمگر و سرمایه‌دارهای غارتگر، بکارند و بپوشند و ایرانی آباد و ایرانی آزاد بسازند، تا برای همیشه کوخ‌نشینان شهری و روستایی از دست شیطانهای کاخ‌نشین رهائی یابند.

سلامت باشید. چشم براه شما هستیم. پیشانی بلند و نورانی شما را می‌بوسیم. پیروز باشید!

دهقانان زحمتکش! دفاع از میهن و درهم شکستن توطئه امریکا بمعنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز هست. یک وجب از زمین زراعی را بدون کشت نگذارید. بیل شما که بزمین فرو میرود سرفیضه‌ای است به قلب دشمن

در جلسه علنی مجلس گفته شد:

استمرار توپخانه چینی امریکا برای ما ثابت و مسلم است

امریکا متوجه شده است که حمله عراق به ایران باشکست روبرو می شود
★ مجلس دوفوریتی بودن لایحه مربوط به ترانزیت ایران - شوروی را تصویب کرد

با امریکا دارد، چه بسا تحت تاثیر فشار امریکا مشکلاتی را برای ما فراهم کند، راهی که میماند ترکیه است که آنرا هم از نظر خارجی و هم از نظر داخلی ممکن است تهدید به متوقف شدن بشود. توجه دارید که عراق بیشترین قسمت نفت ترکیه را تامین می کند و الا با ازمس گرفتن صدور نفت عراق به ترکیه و دادن کلیه احتیاجات ترکیه، روابط عراق با ترکیه در سطح خیلی بالا و خوبی است و ما نمی توانیم به راه ترکیه کاملا مطمئن باشیم. با اینکه از آن راه جنس وارد ایران می شود و هیچ اشکالی هم ندارد، ولی ما چون در جنگیم، باید راه های متعددی برای ورود کالا، به ایران داشته باشیم. راه ترکیه الان خوب است، ولی ما راه بیشتر می خواهیم».

ناطق سپس افزود:

«راه آبی ما هم در خلیج فارس با توجه به جنگ و بنادر ما هم که بعضی مانند بندر خم مشهر تحت اشغال است و بعضی هم باز آن ایمنی لازم را برای وارد کردن کالا ندارد، این مسئله تامین راه برای ورود کالا به نظر من از فوری ترین مسائل کشور است».

پس از این توضیحات در مورد دوفوریتی بودن لایحه مزبور رای گیری به عمل آمد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

آنکاه طرح ادغام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان بسیج ملی (مستضعفین) توسط موسوی یجنوردی مخبر کمیسیون امور دفاعی برای شور اول مطرح گردید.

(بعثت تراکم مطالب، مشروح مباحثات مجلس در این باره، در شماره آینده چاپ میشود)

در حاشیه مجلس

بلندگوی سلامتیان

هنگام مطرح شدن لایحه دوفوریتی ترانزیت ایران و شوروی، احمد سلامتیان خطاب به رئیس مجلس گفت: «چون این اولین قرارداد بین المللی است اعتبار و شرایط مجلس را در نظر بگیرید».

در اینجا کیاوش، یکی از منشی های مجلس پاسخ داد: «آقای سلامتیان شما هم شرایط بیماران کشور را در نظر بگیرید».

سلامتیان اعتراض کرد که شما از بلندگوی حرف می زنید، کیاوش در پاسخ گفت: «بلندگوی شما هم در سراسر ایران است».

آزادی در میدان آزادی

شهرکی، یکی از نمایندگان، در جلسه دیروز از کمبود آزادی سخن می گفت، که فردوسی، یکی دیگر از نمایندگان، به او گفت: «دخ، بروید میدان آزادی!»

تجاوز عراق

بقیه از صفحه ۱

ایران در دست امریکا و در دست همان مرکزی بود که آنها اسمی را سفارتخانه گذاشته بودند».

حجت الاسلام خاتمی در همین مصاحبه به شرح توپخانه ها و جنایات امریکا بعد از پیروزی انقلاب پرداخت و گفت:

«بعد از پیروزی انقلاب، وقتی که ملت ما میخواست آزاد بشود و برای آزادی تلاش کردند و خونهای فراوانی داده بود، باز هم امریکا وارد صحنه شد و تصمیم گرفت این انقلاب را در لطفه خفه کند. توپخانه های گوناگونی که در اطراف ایران شد و خرابکاری های متعددی که بوسیله عوامل رژیم سابق در ایران انجام گرفت و حمله نظامی امریکا و بعد حمله نظامی عراق نمونه».

با ماست. انقلاب ما و خلق ما و جمهوری اسلامی ایران از راه ناهموار و پرسنگلاخی خواهند گذشت، ولی به رهبری امام خمینی، به پیروزی قطعی نهائی دست خواهد یافت.

در مقابل میتوانیم قوای ذخیره داخلی خود را وارد میدان کنیم و نیز از دوستان خود در صورت لزوم و بمقدار لازم از هر حیث کمک بگیریم.

آیا پس از این شکست، امریکا به تجاوز مستقیم متوسل خواهد شد؟

این احتمال منتفی نیست و باید آنرا منتفی دانست و باید برای مقابله با تحقق چنین احتمالی از هر حیث آماده شد.

آیا در صورت تجاوز مستقیم، امریکا شکست خواهد خورد؟

آری، شکست خواهد خورد، چونکه ما از خلق ویتنام کمتر نیستیم، و تناسب نیروها نیز در عرصه بین المللی از زمان جنگ ویتنام تاکنون بزیان امپریالیسم، پس گردگی امریکا و بسودجبه ضدامپریالیستی تغییر فاحش کرده است. امریکا نسبت به آن زمان قدرتمندتر نیست، بلکه ناتوانتر است و نیز موقعیت، نسبت به ویتنام از برخی جهات مساعدتر است.

پس ما جنگ درازمدتی با امریکا خواهیم داشت. ولی در این جنگ پیروزی قطعی نهائی

جبهه عظیم کشورها و نیروهای ضدامپریالیستی جهان، که حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، و توانائی آن امروز به حدی است که در قیاس با آن، امپریالیسم، بسرگردگی امریکا، و تمام دارودسته رژیمهای دست نشانده اش، ناتوان تر از زمان تجاوز بر ویتنام است.

پدیشان چند مسئله مطرح است، که هر کدام پاسخ مشخص دارد:

آیا جنگ تجاوزی امریکائی-صدامی، که تاکنون در دسترس به هدف خود (براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران) شکست خورده است، می تواند برای مدتی دراز ادامه یابد؟

پاسخ مثبت است، چونکه این تجاوز غیر مستقیم امریکا است و امریکا برای جلوگیری از شکست نظامی و نهائی صدام می تواند قوای ذخیره منطقه ای خود در رژیمهای دست نشانده خود در منطقه را وارد عمل کند.

آیا در چنین حالتی شکست امریکا ممکن است؟ آری، ممکن است، و نه فقط ممکن، بلکه حتمی است، زیرا ما

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مصاحبه ای با روزنامه بیروتی السفیر از جمله گفته اند: «ما در جنگ گمنونی ثابت کرده ایم که شجاعت و قدرتی کمتر از مردم ویتنام نداریم و امریکای امروز نیز قدرتمندتر از زمان حضورش در ویتنام نیست».

این سخن درستی است، ما هم شجاعت و قدرتی کمتر از مردم ویتنام نداریم، بدلیل اینکه ما هم مانند خلق ویتنام برای دفاع از استقلال خود، از انقلاب خود، کشور خود، در برابر متجاوز عادله می جنگیم. جنگ ماجتگی عادلانه در برابر تجاوزی ظالمانه و بربر-منشانه است. بنیه مقاومت ما نیز از بنیه مقاومت ویتنام کمتر نیست، بلکه بیشتر است. کشور پهناوری داریم با منابع ثروت عظیم، با جمعیتی فزون بر ۳۵ میلیون، که قدرت قیام یکپارچه خود را بهنگام سرنگون کردن آزموده اند، با موقعیت جغرافیائی بهتر از ویتنام، با دوستانی در سطح بین المللی نظیر ویتنام، یعنی

تمام عرصه های نظامی، تسلیح خلق، اقتصادی، تحکیم پشت جبهه (پاکسازی کشور از ضد-انقلاب آشکار و ماسک دار) تقویت قدرت معنوی و مسادی مقاومت خلق و... استفاده کنیم. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی،

نقشه امریکائی...

بقیه از صفحه ۱

خواهد چید، تمام نیرو و امکانات خود را بکار خواهد بست و پس از شکست تمام توپخانه ها و تجاوزات غیرمستقیمش، حتی احتمال دارد که به دیوانگی تجاوز نظامی مستقیم دست یازد. این احتمال را نیز هرگز نباید منتفی دانست. پس سخن فقط پرس در هم شکستن تهاجم امریکائی صدامی و کسب پیروزی در این جنگ تحمیلی نیست. این پیروزی بدست خواهد آمد. سخن اصلی بر سر اینست که ما باید خود را برای نبردی درازمدت و حیاتی و معنای با امریکای جنایتکار آماده کنیم و از جنگی که اکنون امریکابه وسیله صدام بر ما تحمیل کرده، همچون آزمایشگاهی برای این آمادگی، به تمام و کمال و در تمام عرصه های نظامی، تسلیح خلق، اقتصادی، تحکیم پشت جبهه (پاکسازی کشور از ضد-انقلاب آشکار و ماسک دار) تقویت قدرت معنوی و مسادی مقاومت خلق و... استفاده کنیم. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی،

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان تاکید کرد که توپخانه چینی امریکا برای ما یک اصل ثابت و مسلم است، فقط شیوه های عمل امریکا تغییر می کند.

در آغاز این جلسه، ابوسعیدی منوچهری، نماینده جیرفت، به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. نماینده جیرفت ضمن سخنان خود به وضع جنگ زدگانی که به جیرفت رفتاند و همچنین کشاورزی این منطقه پرداخت و از جمله اظهار داشت:

«اگر از نظر کشاورزی به جیرفت برسد، منطقه می تواند ۲۵ گندم موجود ایران را تامین کند، ولی متاسفانه هیچگونه کمکی تاکنون نشده است».

ناطق افزود:

«هلال احمر می تواند در زمینه اسکان و تغذیه جنگ زدگان فعالیت کند، ولی در زمینه آموزش آنها نمی تواند کاری انجام دهد، و با توجه به تعداد دانش آموزان جیرفت، وجود ۵۰ هزار میهمان و تعداد دانش آموزان آنها، امکانات آموزشی بسیار محدود است. کتاب درسی در منطقه نیست و با کمبود دبیر روبرو هستیم. آموزش و پرورش باید سهمیه کتاب مناطق جنگ زده را به شهرهایی مانند جیرفت، که میزبان جنگ زدگان هستند، بفرستد».

وی آنکاه خواستار توجه بیشتر دولت به وضع اردوگاههای جنگ زدگان شد.

پاکسازی

ناطق سپس به مسئله پاکسازی اشاره کرد و از دولت خواست که به وضع هیئت پاکسازی جیرفت رسیدگی کند او گفت:

«کسی که پرونده قتل دارد، کسی که فقط ۴ ماه در منطقه است... چطور می تواند پاکسازی باشد! اولیاء امور باید خود هیئت را پاکسازی کنند».

نماینده جیرفت در ادامه سخنان خود به وضع کشاورزی جیرفت و استعدادهای طبیعی این منطقه پرداخت و خواستار توجه مقامات مسئول دولتی به بیابری زمین های کشاورزی جیرفت شد. نبودن راه مناسب در جیرفت از جمله مسائل دیگری بود که نماینده این شهر به آن پرداخت. او همچنین گفت: «کشت و صنعت جیرفت بیش از ۱۴ هزار هکتار زمین دارد. صدها موتور آماده برای کشیدن آب در منطقه وجود دارد، اما از هیچکدام اینها استفاده نمی شود... درحالی که هزارها هکتار زمین در آنجا وجود دارد، هنوز ضوابط مشخصی در مورد مقدار زمین تحت تملک وجود ندارد».

ابوسعیدی منوچهری، آنکاه به وضع دامداری سنتی منطقه پرداخت و خواستار بررسی امور دامداری منطقه شد. وی در پایان افزود:

«ملاك انقلابی بودن مکتب است. نمی شود فقط با داشتن ریش انقلابی شد. خدا مارا از شر ریش های بعد از انقلاب حفظ کند».

مواضع اصولی کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین کنفرانس سران و تجمع رژیمهای وابسته کشورهای عربی را بشکست و روبرو ساخت

بیشتر مرزبندی میان مواضع کشورهای شرقی و رژیمهای مترجم، کشورهای مستقل و رژیمهای وابسته شوند. مواضع ضدامپریالیستی و دفاع از استقلال ملی از یکسو و مواضع وابستگی به امپریالیسم، تسلیم در برابر آن و دستکاری در اجزای توطئه ها و نقشه های تجاوزگرانه آن از سوی دیگر، اکنون آشکارا در برابر یکدیگر قرار گرفته اند.

روزنامه «البعث» ارگان حزب بعث سوریه در این مورد مینویسد: «اجلاس امان تنها در جهت منافع گروههای شرکت کننده در موافقت نامه های کمپدیوید یعنی آمریکا، مصر و رژیم اشغالگر قدس می باشد.» و روزنامه «الثوره» چاپ سوریه، کنفرانس سران عرب در امان را توطئه ای علیه سازمان آزادیبخش فلسطین ارزیابی میکند. «الثوره» خاطرنشان میکند: حضور حامیان موافقت نامه های کمپدیوید در این کنفرانس که سلطان قابوس پادشاه عمان، زیاده پاره رئیس جمهور سومالی و جعفر نمیری رهبر سودان از جمله آنها، ثابت میکند که اقدام کشورهای جبهه پایداری، سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان در مورد تحریم این کنفرانس، اقدامی اصولی بوده است. «تشرین» روزنامه دیگر چاپ سوریه ضمن ارزیابی کنفرانس سران برخی از کشورهای عرب در امان این نکته را یادآور میشود که «خلفای عرب در برابر تصمیمات و قطعنامه های ناقص حاکمیت و معایر سازمانهای آنان باشند ساکت نخواهند نشست.»

عدم شرکت کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان در کنفرانس سران عرب در امان و محکوم کردن این کنفرانس از جانب مقامات رسمی و محافل اجتماعی این کشورها، مویذ این واقعیت است که یک جبهه ضدامپریالیستی پر توان مرکب از رژیمهای خلقی و مستقل پیش از پیش در این منطقه انسجام میابد و با قاطعیت و بیکیفرانه از مواضع خود در برابر نقشه های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و توطئه های رژیمهای ضد خلقی سرسپرده امپریالیسم جهانی دفاع مینمایند. پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و استقرار جمهوری اسلامی در کشور ما که ضربه سنگینی بر مواضع سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در این منطقه و بمقیاس جهانی وارد ساخت، موجب تغییر بنیادی تناسب نیروها و منافع آزادی و استقلال و رهائی خلقهای این منطقه از سلطه نواستعماری امپریالیسم آمریکا گردید و مواضع کشورهای عضو جبهه پایداری و دیگر کشورهای مستقل ملی را در برابر توطئه و نقشه های تجاوزی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، استحکام بخشید، تعمیق و گسترش روابط همجانبی و همکاریها در همه زمینه ها میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین گام مهمی در این جهت خواهد بود. دیدار موفقیت آمیز حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران از کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه و لبنان و مذاکرات ایشان با رهبران این کشورها سر آغاز فصل نوینی در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای یاد شده است. این خود بدون تردید به استحکام هر چه بیشتر مواضع جمهوری اسلامی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و عقیم گذاردن توطئه های تجاوزکارانه و مداخله گرانه آن مساعدت خواهد کرد. عدم شرکت کشورهای عضو جبهه پایداری در کنفرانس سران عرب که موجب ناکامی و شکست کنفرانس سران رژیمهای ضد خلقی و وابسته کشورهای عربی گردید نشانه ای از انسجام و بهم پیوستگی هر چه بیشتر جبهه کشورهای مستقل ملی و نیروهای ترقیخواه منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن در منطقه است.

یازدهمین کنفرانس سران عرب با شرکت فقط ۱۵ کشور عربی، عربستان سعودی، اردن، عراق، مراکش، تونس، موریتانی، سومالی، یمن شمالی، جیبوتی، عمان، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و سودان در امان پایتخت اردن تشکیل گردید.

کشورهای عضو جبهه پایداری: سوریه، الجزایر، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان این کنفرانس را تحریم نموده و از شرکت در آن امتناع ورزیدند. اتخاذ یک چنین تصمیم قاطع و اصولی از جانب کشورهای عضو جبهه پایداری در این کنفرانس مبتنی بر این واقعیت است که کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس که رژیمهای وابسته به امپریالیسم آمریکا بر آن حاکم اند بر حسب ماهیت ارتجاعی ضد خلقی و وابسته خود بدین تردید تمایل و قدرت آن را ندارند که چنان تصمیماتی اتخاذ کنند که در سمت منافع واقعی خلقهای عرب، قطع توطئه های امپریالیسم آمریکا و جلوگیری از نقشه های تجاوزگرانه و توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل باشد. سران رژیمهای ضد خلقی و وابسته ای از قبیل ملک خالد در عربستان سعودی، شاه حسین در اردن، سلطان قابوس در عمان، رژیم صدام حسین در عراق، زیاده پاره در سومالی، شاه حسن در مراکش و دیگر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس خود دستیاران امپریالیسم آمری، مجریان توطئه ها و نقشه های تجاوزی آن علیه کشورهای مستقل ملی و جنبشهای رهائی بخش خلقهای این منطقه هستند.

رسانه های گروهی سوریه، ضمن محکوم کردن کنفرانس سران عرب و میزبان این کنفرانس ملک حسین پادشاه اردن، خاطرنشان کردند که کشورهای شرکت کننده در کنفرانس دست اندر کار تدارک توطئه ای علیه ارمان خلقهای عرب هستند و وحدت عرب را بازیچه دست ملک حسین و رونالد ریچ رئیس جمهور آینده آمریکای قرار داده اند کشورهای عضو جبهه که قاطعانه جانب نهضت آزادیبخش فلسطین را گرفته، علیه صهیونیسم و امپریالیسم میزنند این توطئه را محکوم میکنند. یکی از اهداف ملک حسین در این کنفرانس آن بود که رضایت سران کشورهای عرب را در باره ملاقات ماه زانویه خود با ریکان جلب نماید. پیشنهاد چنین ملاقاتی، برای حدود یکماه دیگر، از جانب خود وی مطرح شده است.

رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا با تشکیل این کنفرانس در نظر داشتند که با تزویر سران کشورهای عضو جبهه پایداری، سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان را به قبول شرکت در این کنفرانس، متقاعد سازند و بدینوسیله تضادهای اصولی موجود در میان کشورهای عربی را که از اختلاف در ماهیت رژیمهای حاکم بر کشورهای عربی و مواضع آنان نسبت به امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی تجاوزگر اسرائیل نشأت میگیرد، پرده پوشی و لوت نمایند. آنها میخواستند از این راه مانع مشخص شدن هر چه

توطئه ضد انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
به کتابفروشی آرش حمله کردند. در این کتابفروشی، که بخشی از آن لوازم التحریر فروشی است، کتابها و نشریات مختلف، از جمله نشریات حزب توده ایران به فروش میرسند. مهاجمان بعد از زخمی کردن یکی از فروشندگان کتابفروشی، مقداری از کتابهای آن را آتش زدند و سپس در مغازه را قفل کردند و کلید آنرا همراه بردند.

در همین روز عده ای ناشناس، یکی از دو داروخانه ایرانشهر را آتش زدند و سپس در شهر شایع کردند که چون صاحب



کوبا، گزارش خبرگزاری های امپریالیستی را در مورد حضور نظامی این کشور در افغانستان، دروغی بی شرمانه خواند. وزارت خارجه کوبا گزارش های رسانه های گروهی امپریالیستی را در این مورد که کوبا سربازان کوپا در افغانستان حضور دارند، یک دروغ کثیف خواند. کوبا تاکید کرد که گزارش خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۲۸ نوامبر، که از قول «منابع آگاه» در اسلام آباد پاکستان اعلام کرده بود که سربازان کوپا در افغانستان حضور دارند، اتهام کثیفی است که هدف آن ایجاد

آبادان آشناس

درد ای مرز نام آور
ای آبادان
تو ای شهر غیور قهرمان پرور
تو ای دروازه پیروزی ایسران
که فخر و ثروت مائی
شکوه و شهرت مائی

ای آبادان آشناس
تو آن رزمندۀ مغرور والا نی
که از دشمن نداری باک.
هر ایرانی که در دل عشق پر شور وطن دارد،
نفس در سینه، تا جان در بدن دارد،
در این رزم مقدس با تو همراه است
که ایرانی وطن خواه است
و ایران هیچگاه سر خم نکرده نزد خونخواران
بسا چنگیز و تیمور و هلاکوها به خود دیده است
ز دژ خیمان نترسیده است
به پنا استاده چون البرز و با جلاذ جنگیده است.
همیشه پرچمش بالا و بالا بوده آوازش
کنون بنگر به کرمانشاه و خونین شهر و اهوازش
به دیگر جبهه های گرم پیکارش
به شهر و روستاهای پراپارش
به همکاری سنگرها
به سربازان جانپنازش
به مردان و زنان زندگی سازش
که با نام وطن
مردانه می جنگند پادشمن.

ای آبادان
سرود فتح را سر کن
خروشان تر شو و آهنگ دیگر کن
بگو، ما دشمن جنگیم
بگو، ما عاشق آزادی و ایمان و فرهنگیم
ولی خصم تجاوزگر
اگر زین پیشتر
در سرزمین ما بریزد خون
شود مغبون.
به خشم آتشین مرد و زن سوگند
به نوزادان زخمی، نوجوانان به خون خفته
به آیین شهیدان وطن سوگند
که آخر نعش دشمن را
به خواری افکنیم از خاک خود بیرون.

ای آبادان
چراغ ساحل کارون!
بشارت آور از پیروزی ایران.
۲۸ مهر ۱۳۵۹

شماره ۷ دنیا ضمیمه نامه «مردم» انتشار یافت

سیل دهقانان ژنده پوش چینی بسوی پکن سرازیر شده است
روزنامه های ژاپنی و از جمله روزنامه «مین ایچی» گزارشی داده اند که افزایش روزافزون مستمندان و فقرا در شهرهای چین، نگرانی مقامهای این کشور را برانگیخته است. همچنین سیل دهقانانی که در جریان انقلاب فرهنگی مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند برای «گرفتن خسارت» بسوی پکن و دیگر شهرهای بزرگ چین سرازیر شده است. این روزنامه ژاپنی می نویسد «گروههای بزرگ دهقانان ژنده پوش در حاشیه شهرها اقامت کرده اند.» کسانی که برای این روزنامه ژاپنی از چین گزارش تهیه کرده اند، می نویسند در بسیاری از روستاها حتی بسیاری از پرسنل های بهداشتی و غیره بخاطر عدم تکافوی حقوق برای امرار معاش دست به تکدی می زنند. این روزنامه می افزاید، عده ای از ناظران عمیده دارند، یکی از دلایل مایه دربارۀ محاکمه باند چهار نفری آن است که رهبران پکن می خواهند شکست برنامه های اقتصادی را که توسط مائوئیستها طرح ریزی شده، تنها به گردن این باند بیندازند.

داروخانه از ارسال دارو به جبهه خودداری کرده، جهاد سازندگی آن را به آتش کشیده است! این حملات درست در متن آمادگی ضد انقلاب برای آتش افروزی در سیستان و بلوچستان انجام می گیرد و حمله چاقوآاران

به کتابفروشی و داروخانه و نوشتن آنها بنام نهادهای انقلابی، زمینه سازی برای توطئه های بعدی و بی اعتبار کردن نهادهای انقلابی است. ما بار دیگر توجه مقامات مسئول را به آنچه در سیستان و بلوچستان می گذرد، جلب میکنیم.

کمک مالی
به حزب توده
ایران یک وظیفه
انقلابی است

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

**NAMEH
MARDOM**

No. 385
3December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران